

بررسی مهارت‌های تفکر انتقادی در رمان‌های برگزیده نوجوان فارسی دهه ۸۰ براساس فهرست پیتتر فاسیونه

مریم امیدنی*

لیلا مکتبی فرد**، عصمت مؤمنی***

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی مهارت‌های تفکر انتقادی در رمان‌های نوجوان تألیفی - گروه سنی د و ه - در دهه ۸۰ شمسی پرداخته است. نمونه‌های این پژوهش در قالب دوازده رمان نوجوانان، به صورت هدفمند و طبق نظر ۲۶ نفر از متخصصان ادبیات کودک انتخاب شده است. روش پژوهش، تحلیل محتوای کیفی قیاسی است. تحلیل رمان‌ها بر اساس مهارت‌های تفکر انتقادی فاسیونه است که شامل شش مهارت تفسیر، تحلیل، ارزشیابی، استنباط، توضیح و خودتنظیمی است. در این پژوهش کنش‌ها، عملکردها و گفت‌وگوهای شخصیت‌های داستان بر اساس شش مهارت تفکر انتقادی فاسیونه سنجیده شده است. شخصیت‌های رمان پاریسیان و من: کاخ ازدها (۱) بیش از بقیه رمان‌ها مهارت‌های تفکر انتقادی را به کار برده‌اند. در همه رمان‌های مورد بررسی مهارت تفسیر بیش از بقیه مهارت‌ها به کار گرفته شده است و پس از آن مهارت تحلیل و توضیح، و سپس مهارت خودتنظیمی و استنباط به میزان برابر در رتبه چهارم، و مهارت ارزشیابی با کمترین میزان در رتبه آخر قرار گرفته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که داستان‌های معمولی در صورتی که دارای کیفیت ادبی مناسبی باشند، می‌توانند به عنوان وسیله‌ای آموزشی مورد استفاده قرار گیرند.

* کارشناس ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی (نویسنده مسئول) omidinia.۶۶@gmail.com

** استادیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه خوارزمی royamaktabi@gmail.com

*** استادیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی momeni.esmat@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۲/۱۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۴/۱۷

کلیدواژه‌ها: تفکر انتقادی، مهارت‌های تفکر انتقادی فاسیونه، رمان نوجوان، آموزش تفکر، فلسفه برای کودکان.

۱. مقدمه

تفکر از جمله اعمال اجتناب‌ناپذیر بشر است. روش زندگی و رفتار ما بستگی به شیوه تفکر ما دارد. انسان می‌تواند به نحوی اصولی، تاج تفکر را به گوهر تعالی مزین کند. استدلالی که در زمینه آموزش تفکر روزه‌روز بیشتر توسعه می‌یابد، این است که تفکر، جزء ذاتی فرآیند رشد انسان است و در تشریح اهمیت این امر همین نکته بس که ما نه فقط حیواناتی متفکریم بلکه حق ماست که به پرورش استعداد های خاص یک انسان پردازیم. پرورش ذهن، خود قسمتی از تعلیم و تربیت است، زیرا این نیز قسمتی از همان انسان بودن است. طبق این نگرش، کار اصلی تعلیم و تربیت، آموزش تفکر انتقادی، خلاق و کارآمد به کودکان است (فیشر، ۱۳۸۵: ۱۹).

در سال‌های اخیر آهنگ تغییرات در زندگی بشر شتاب گرفته است. شیوه جدید زندگی نشان‌دهنده آن است که جامعه تغییر کرده است و مهارت‌هایی که برای نسل‌های قبل مفید بودند دیگر نمی‌توانند بشر امروز را برای زندگی مجهز کنند. بنابراین کودکان و نوجوانان ما ممکن است در آینده با جهانی غیرقابل پیش‌بینی مواجه شوند. پس به ناچار باید مهارت‌هایی را بیاموزند که تا حد ممکن آنها را بر زندگی مسلط سازد. یکی از این مهارت‌ها، نقادانه اندیشیدن است که از نیروی ذهن کمک می‌گیرد.

یونیسف (۲۰۰۳) در آخرین تقسیم‌بندی خود، مهارت تصمیم‌گیری و تفکر انتقادی را از جمله مهارت‌های زندگی برشمرده است. انسان‌هایی که منتقدانه می‌اندیشند، بدون ارزیابی یا داوری کردن، باورها یا استدلال‌ها را رد یا قبول نمی‌کنند. بنابراین تفکر انتقادی، تفکری است مستدل و مستند به مدارک و اطلاعاتی موثق که انتظار می‌رود به قضاوتی صحیح منجر شود و استانداردهایی مناسب را برای ارزیابی و تفسیر مسائل پیچیده و بحث‌برانگیز، به منظور حصول به نتیجه‌گیری درخصوص انجام کار یا باور به عقیده‌ای عرضه کند (مکتبی‌فرد، ۱۳۸۹: ۵۰).

فهرست‌های متعددی از منظر متخصصان مختلف در حوزه تفکر انتقادی ارائه شده است. یکی از افرادی که در این زمینه تلاش ویژه‌ای داشته، پیترو فاسیونه مبدع یکی از پرکاربردترین آزمون‌های تفکر انتقادی یعنی **آزمون کالیفرنیا (CCTST)** است. فاسیونه،

متفکر منتقد را واجد شش مهارت شناختی می‌داند و تحت عنوان **مهارت‌های تفکر انتقادی هسته** از آن یاد می‌کند. مهارت‌های تفکر انتقادی فاسیونه به شرح زیر است:

۱. **تفسیر:** درک و بیان مفهوم طیف گسترده‌ای از تجربیات، موقعیت‌ها، داده‌ها، حوادث، قضاوت‌ها، عرف‌ها، باورها و قواعد است، اما به طور کلی می‌توان گفت تفسیر فرآیند درک و بیان ضابطه‌هاست. تفسیر شامل سه مهارت فرعی است که عبارت‌اند از **دسته‌بندی**، **رمزگشایی مفاهیم** و **شفاف‌سازی معانی**.

۲. **تحلیل:** شناسایی روابط استنتاجی واقعی و هدف‌دار در میان توضیحات، سؤالات، مفاهیم، توصیفات یا شکل‌های دیگری است که یک عقیده بیان می‌شود. این مهارت شامل دو مهارت فرعی **آزمودن اندیشه‌ها**، **تشخیص و تحلیل استدلال‌هاست**.

۳. **ارزشیابی:** تشخیص اعتبار مطالب بیان‌شده.

۴. **استنباط:** شناسایی و حفظ عناصری که برای ترسیم نتایج مستدل مورد نیاز هستند. به بیان دیگر، تشخیص اطلاعات مرتبط در یک مطلب و همچنین استخراج کردن نتایجی که در مطلب - به هر شکل ارائه شود - شناور هستند و به صورت واضح بیان نمی‌شود. مهارت‌های فرعی استنباط کردن عبارت‌اند از **بررسی و جست‌وجوی شواهد**، **حدس زدن متغیرها** و **ترسیم نتایج**.

۵. **توضیح:** قابلیت ارائه یک روش متقاعدکننده و منطقی است که نتیجه استدلال‌های فرد است. این توانایی فرد را قادر می‌سازد تا نگاهی کلی بر یک تصویر بزرگ داشته باشد. به عبارتی، فرد دلایل خود را در قالب شواهد و مفاهیم به صورت روشمند و معتبر بیان می‌کند. مهارت توضیح شامل سه مهارت فرعی **بیان نتایج**، **اثبات روش‌ها** و **ارائه استدلال‌هاست**.

۶. **خودتنظیمی:** مهمترین مهارت شناختی است. این مهارت به فرد امکان می‌دهد که فعالیت‌های شناختی خود را مورد بازبینی قرار دهد و با کمک آن بتواند تفکر خود را ارتقا دهد. خودتنظیمی شامل دو مهارت فرعی **خودسنجی** و **خوداصلاحی** است (Facione, ۲۰۱۱: ۵).

۲. داستان و تفکر انتقادی

شکل‌گیری تفکر انتقادی در انسان‌ها تصادفی نیست و نیازمند آموزش و ایجاد زمینه‌های مساعد برای پرورش این نوع تفکر است. از بین محمل‌های مختلفی که

می‌تواند به شکل‌گیری چنین تفکری در کودکان و نوجوانان کمک کند، داستان‌ها اهمیت ویژه‌ای دارند. داستان معمولی‌ترین سرآغاز برای تشویق کودک به تعمق است و وسیله‌ای طبیعی برای پرورش تفکر، دانش و مهارت‌های زبانی فراهم می‌کند (حسینی، ۱۳۸۴).

یکی از مقدماتی‌ترین قدرت‌هایی که در ذهن کودک پدید می‌آید، درک داستان است که می‌توان آن را جامع‌ترین شیوه به‌کارگیری تجربه‌های انسانی دانست. نیروی داستان در این است که می‌تواند دنیای احتمالی را به منظور تمرینی برای کاوش فکری بیافریند. داستان ما را از بند اینجا و اکنون رها می‌کند؛ ساختاری هوشمندانه است که در عین حال عادی نیز است. از لحاظ فکری دشوار است ولی در دغدغه‌های بشری نیز جای دارد. داستان وسیله‌ای برای درک جهان و درک خویشتن است. تعجبی ندارد که ابزار اولیه تدریس در همه جوامع انسانی داستان باشد. (فیشر، ۱۳۸۵ الف: ۱۳۵)

می‌توان گفت که زندگی بشر نیز نوعی داستان منسجم است که هر کس در آن نقشی دارد و به‌شکلی به اصالت وجود و حقیقت مرگ معنا می‌بخشد. این روایت از زندگی است که قدرت تخیل انسان‌ها را تقویت می‌کند تا از تجربیات منعکس در آنها بیاموزند و آنها را در زندگی واقعی به کار گیرند (۷۸: ۲۰۰۷، Haven).

در برنامه فلسفه برای کودکان (Philosophy for children)، که به‌عنوان برنامه‌ای که با آموزش تفکر به کودکان عجین شده است و تحت عناوین فکری‌پروری یا آموزش تفکر به کودکان نیز از آن یاد می‌شود، یکی از برنامه‌های آموزشی است که مورد توجه بسیاری از دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت کودک قرار گرفته است. در این برنامه، از داستان‌ها به منزله ابزار اصلی آموزش استفاده می‌شود، زیرا عقیده بر این است که داستان‌ها می‌توانند مهارت‌های شناختی و توانایی پرسش‌گری را در کودک بالا ببرند. پژوهش حاضر با سنجش مهارت‌های تفکر انتقادی در داستان‌های معمولی (غیرآموزشی) بررسی کرده است که داستان‌هایی که با هدف آموزشی نوشته نشده‌اند، توانایی انتقال مهارت‌های تفکر انتقادی را چگونه یا به چه کیفیتی دارند.

همچنین پژوهش حاضر با استفاده از بررسی سایر پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه، بر آن است تا با پژوهشی تکمیلی، کارایی فهرست‌های تفکر انتقادی جهت بررسی متن داستان از لحاظ وجود بارقه‌های تفکر انتقادی، میزان کارایی این فهرست‌ها را در چنین سنجش‌هایی مشخص کند.

۳. مروری بر سایر پژوهش‌های انجام‌شده

عمده پژوهش‌هایی که در حوزه تفکر انتقادی انجام شده‌اند در یکی از سه دسته زیر قرار می‌گیرند: دسته اول پژوهش‌هایی هستند که میزان تفکر انتقادی را در اشخاص مورد سنجش قرار داده‌اند. بیشتر پژوهش‌های این حوزه در این دسته قرار می‌گیرد. پژوهشگر این مقاله به دلیل اینکه موارد مذکور ارتباط چندانی با عملکرد پژوهش حاضر ندارند از ذکر آنها خودداری کرده است. اما تعدادی پژوهش هستند که سنجش آنها بر روی اشخاص است، ولی به دلیل اینکه تأثیر ادبیات و داستان را در پرورش مهارت‌های تفکر انتقادی سنجیده‌اند به نوعی با پژوهش حاضر در ارتباط هستند. پژوهش‌های تارکینگتون (۱۹۸۸) و نوئر (۱۹۹۴) به لحاظ اینکه تأثیر مثبت ادبیات را در این نوع تفکر بررسی کرده بودند با پژوهش حاضر ارتباط دارند، و همچنین پژوهش‌های دلانوی (۱۹۹۷) و کارلسون و دیگران (۱۹۹۷) که با استفاده از روش پژوهش آزمایشی به صورت پیش‌آزمون و پس‌آزمون، تأثیر داستان‌های معمولی حوزه ادبیات کودکان را که به صورت سفارشی جهت آموزش نوشته شده‌اند را مورد بررسی قرار داده‌اند مرتبط با پژوهش ما هستند. پژوهش پیشقدم (۱۳۸۶) و اسکندری و کیانی (۱۳۸۶) را نیز می‌توان در این دسته قرار داد.

دسته دوم پژوهش‌هایی هستند که میزان تفکر انتقادی را مانند پژوهش حاضر در متن سنجیده‌اند، اما متن مورد بررسی آنها، داستان نیست. پژوهش علیپور (۱۳۸۳) و پاسیار (۱۳۸۸) به دلیل اینکه سنجش خود را روی کتاب‌های درسی انجام داده‌اند در این دسته قرار می‌گیرند.

دسته سوم پژوهش‌هایی هستند که نزدیکی بیشتری به پژوهش حاضر دارند، زیرا سنجش خود را روی متن داستان انجام داده‌اند. مکتبی‌فرد (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «بررسی مهارت‌ها و مؤلفه‌های تفکر انتقادی در داستان‌های تألیفی ایرانی گروه سنی (ج)» به بررسی ۱۲۵ داستان که در فاصله سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۸۵ در فهرست کتاب‌های مناسب شورای کتاب کودک به ثبت رسیده‌اند، می‌پردازد. فرزانه‌فر (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «بررسی فلسفه دوران کودکی و نقش قصه و داستان در رشد و پرورش روحیه فلسفی در کودکان» با نگاهی به تاریخ تعلیم و تربیت، فلسفه دوران کودکی را مورد بررسی قرار داد. رشنو (۱۳۹۰) نیز در پژوهشی مشابه با مکتبی‌فرد به بررسی قابلیت‌های کتاب‌های داستانی تألیفی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در گروه سنی نوجوان در پرورش مهارت‌های تفکر انتقادی پرداخته است.

پژوهش حاضر با هر کدام از پژوهش‌های ذکر شده شباهت‌هایی دارد. اما با برخی از پژوهش‌ها شباهت کمتر و با پژوهش‌هایی که در دسته سوم قرار دارند، قرابت بیشتری دارد. پژوهش پاسپار (۱۳۸۸) از این نظر که از فهرست فاسیونه جهت بررسی کتاب زیست‌شناسی سال سوم دبیرستان استفاده کرده است، با این پژوهش مشابه است. پژوهش مکتبی‌فرد (۱۳۸۹) و رشنو (۱۳۹۰) از فهرست مؤلفه‌ها و مهارت‌های تفکر انتقادی ریچارد پیل استفاده کرده‌اند و فرزنانفر نیز با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای گسترده، تحلیل‌هایی کلی از منظر استقلال، هویت و تفکر انتقادی در مورد داستان‌های مورد بررسی خود نگاشته است. اما در هیچ‌کدام از پیشینه‌های ذکر شده به صورت جزئی عملکرد همه شخصیت‌های داستان به صورت کیفی با استفاده از فهرست مهارت‌های فاسیونه مورد تحلیل قرار نگرفته است و از این لحاظ پژوهش حاضر در نوع خود بدیع است.

۴. روش و جامعه پژوهش

پژوهش حاضر با روش تحلیل محتوای کیفی - قیاسی انجام گرفته است. بدین صورت که محتوای داستان‌ها بر مبنای یکی از فهرست‌های معتبر مهارت‌های تفکر انتقادی، مورد تحلیل قرار گرفته است.

جامعه مورد مطالعه در این پژوهش رمان‌های تألیفی ایرانی است که به طور مشخص برای نوجوانان (گروه سنی دو و ه یا گروه سنی ۱۲-۱۷ سال) منتشر شده‌اند. این گروه سنی به این دلیل انتخاب شده است که بر مبنای نظریه تحول ذهنی پیاژه، سال‌های نوجوانی، شروع تفکر انتزاعی و استدلال صوری است. به عبارتی نوجوان در این دوره می‌تواند تمام راه‌حل‌های مسئله را تصور کند و به یک مسئله، از زوایای مختلف توجه کند. بدین ترتیب می‌توان گفت در این دوره انواع تفکر از جمله تفکر انتقادی در فرد گسترش پیدا می‌کند (دورتی جی، ۱۳۸۰: ۳۸).

طبق یک نظرسنجی که از ۲۶ نفر نویسنده و منتقد ادبیات کودک و نوجوان در تابستان ۱۳۹۰ صورت گرفته است و نتایج آن در روزنامه اعتماد مورخ ۹۰/۸/۲۶ منتشر شده است، ده رمان شامل دوازده جلد، به عنوان بهترین رمان‌های فارسی دهه ۸۰ شمسی معرفی گردیده است. از آنجایی که اجماع و توافق نظر قابل قبولی میان متخصصان و نویسندگان ادبیات کودک و نوجوان در انتخاب این جامعه ده‌تایی وجود داشته است، همین مجموعه به

عنوان جامعه‌مورد بررسی در نظر گرفته شده است. سیاهه این رمان‌ها به ترتیب رتبه‌ای که در این بررسی کسب کرده‌اند به شرح زیر است:

۱. لالایی برای دختر مرده/ حمیدرضا شاه‌آبادی. تهران: افق، ۱۳۸۷.
۲. عقرب‌های کشتی بمبک/ فرهاد حسن‌زاده. تهران: افق، ۱۳۸۸.
۳. هستی/ فرهاد حسن‌زاده. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۸۹.
۴. پارسیان و من/ آرمان آرین. تهران: موج، ۱۳۸۳-۱۳۸۴. ج ۳.
۵. شبی که جرواسک نخواند/ جمشید خانیان. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۸۲.
۶. طبقه هفتم غربی/ جمشید خانیان. تهران: افق، ۱۳۸۶.
۷. امپراطور کلمات/ احمد اکبرپور. تهران: پیدایش، ۱۳۸۱.
۸. هزار و یک سال/ شهریار مندنی‌پور. تهران: آفرینگان، ۱۳۸۲.
۹. من نوکر بابا نیستم/ احمد اکبرپور. تهران: افق، ۱۳۸۲.
۱۰. جنگ که تمام شد بیدارم کن/ عباس جهانگیریان. تهران: افق، ۱۳۸۹.

۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها

در پژوهش حاضر، از فهرست فاسیونه (۲۰۱۱) جهت بررسی متن داستان استفاده شده است که عمدتاً ناظر بر یک سلسله مهارت است و طبیعی است که مهارت از جمله عناصری است که ناظر بر ذهن آدمی است و عنصر دیگری را نمی‌توان با آن مرتبط دانست. بدین ترتیب در این بررسی تنها شخصیت‌های داستان مورد تحلیل قرار گرفتند. با تحلیل محتوای کنش، عملکرد و گفت‌وگوهای همه شخصیت‌های رمان‌های مورد بررسی، وضعیت رمان‌ها به طور خلاصه به شرح زیر است. ضمن اینکه در خلاصه هر داستان، جهت مبهم نبودن علت وجود مهارت خاص در شخصیت‌ها، پژوهشگر یک مثال را به صورت مشروح در خلاصه هر داستان آورده است:

لالایی برای دختر مرده/ حمیدرضا شاه‌آبادی

داستان درباره مجموعه اتفاقاتی است که در مجتمع ارغوان برای زهره و مینا رخ می‌دهد و به نوعی به نویسنده کتاب «خاطرات میرزا جعفر خان منشی باشی» ارتباط پیدا می‌کند. زهره تنها دختر یک خانواده هفت‌نفره است که چهار برادر دارد، ولی خانواده شلوغ آنها

روابط صمیمانه و گرمی با هم ندارند. روزی زهره در اتاق خود، دختری به نام حکیمه را می‌بیند که دست‌هایش از آرنج سوخته و موهای خاکستری بلندی دارد. زهره کم‌کم با حکیمه که دختری است از اهالی قوچان و حدود ۱۰۰ سال پیش مرده است، دوست می‌شود و همه جا او را می‌بیند و با وی صحبت می‌کند. به همین دلیل همه فکر می‌کنند که زهره مشکل روانی پیدا کرده است.

یک روز زهره ماجرای دیدن حکیمه (دختر مرده) را برای دوستش مینا تعریف می‌کند. چون مینا حرفش را باور نمی‌کند به او می‌گوید که به حکیمه می‌گویم به دیدن تو هم بیاید. در این میان که فکر مینا به حرف‌های زهره معطوف است، پدر مینا نیز که در کار نشر است کتابی را برای غلط‌گیری به او می‌دهد. این کتاب، خاطرات میرزا جعفر خان منشی‌باشی است. او از طرف مجلس شورای ملی زمان خود مأمور می‌شود تا به قوچان برود و درباره‌ی وضع فروش دختران قوچانی توسط خانواده‌هایشان گزارش تهیه کند. کتاب خاطرات میرزا جعفر خان، توسط آقای ناصری نوشته شده است که آن را برای چاپ به دوستش مجید (همان پدر مینا) داده است.

در داستان لالایی برای دختر مرده، شخصیت‌های داستان به میزان نسبتاً خوبی از مهارت‌های تفکر انتقادی استفاده کرده‌اند. مینا با به کارگیری سه مهارت، نسبت به بقیه شخصیت‌ها بیشتر از مهارت‌های تفکر انتقادی استفاده کرده است. همچنین هر اپیزود از داستان به روایت یکی از شخصیت‌های اصلی داستان است و به همین سبب، این شخصیت‌ها فرصت اثرگذاری مناسب از لحاظ مهارت‌های تفکر انتقادی را داشته‌اند. ضمن اینکه در سراسر ماجرای داستان ابهام‌هایی وجود دارد که خواننده را از لحاظ فکری با اثر درگیر می‌کند.

مثال: مینا در حین غلط‌گیری کتاب خاطرات میرزا جعفر خان است و این کار هم‌زمان با شنیدن داستان زهره درباره‌ی دختر مرده (حکیمه) اتفاق می‌افتد، ضمن اینکه یاد صحبت‌های همیشگی برادرش محسن درباره‌ی نظریه‌ی نسبیّت انیشتین می‌افتد:

«... فکر کردم به اینکه چطور کسی که مرده می‌تواند هنوز در جایی از زمان زنده باشد؟ زهره دو روز قبل به من گفته بود که حکیمه را می‌بیند، دختری که صد سال پیش مرده، حالا در گوشه‌ای از زمان زنده است؟ آن گوشه کجاست؟ همان صد سال پیش؟ یعنی چه؟ خواستم از محسن بپرسم چه‌طور صد سال پیش می‌تواند با امروز هم‌زمان باشد...» (ص ۴۳)

او سعی دارد با ارتباط برقرار کردن بین اتفاقات و شنیده‌هایش، روابط استنتاجی واقعی را که در این ماجراست مورد شناسایی قرار دهد، پس از مهارت تحلیل استفاده کرده است.

جدول ۱: چگونگی مهارت‌ها در رمان لالایی برای دختر مرده

مهارت‌ها	تعداد (فراوانی)	شخصیت‌ها
تفسیر	۳	میرزا جعفر خان منشی باشی - آقای ناصری
تحلیل	۱	مینا
ارزشیابی	۱	مینا
استنباط	۲	مینا - آقای ناصری

عقرب‌های کشتی بمبک / فرهاد حسن‌زاده

«خلو» شخصیت اصلی و راوی داستان، پسر نوجوانی است که مادرش، سال گذشته در اثر بیماری سرطان فوت کرده است. دو خواهرش هم ازدواج کرده‌اند و در شهرهای دیگری زندگی می‌کنند. در نتیجه خلو هم به همراه پدر معتادش، تنها زندگی می‌کند. داستان از ۲۶ اپیزود تشکیل شده است و در روزهای نزدیک به انقلاب ۵۷ جریان دارد.

خلو سه دوست به نام‌های «ممدو»، «منو» و «شکری» دارد که با هم در قبرستان آبادان، قبرها را می‌شویند. او و دوستانش لب شط، یک کشتی چوبی دارند. در واقع صاحب اصلی این کشتی، به جرم قتل به حبس ابد محکوم شده است. پس کشتی پاتوق گروه عقرب (خلو و دوستانش) شده است. آنها نام این کشتی را «بمبک» گذاشته‌اند. یک شب در قبرستان متوجه می‌شوند که ماشینی می‌آید و یک صندوقچه بزرگ را در زیر خاک پنهان می‌کند.

خلو و دوستانش پس از واریسی صندوق متوجه می‌شوند که جز کتاب و عکس چیزی در صندوق نیست. دوستان پیشنهاد می‌دهند که صندوق را در آب بیندازند ولی خلو قبول نمی‌کند و صندوق را در بمبک می‌گذارد. خلو با مشاهده عکس‌های درون صندوق متوجه می‌شود که خانه صاحبان آن در محله «بوارده» (منطقه خانه‌های سازمانی شرکت نفت آبادان) است. به همین دلیل به خانه آنها می‌رود و پس از بیان شرح ماجرای یافتن صندوق با کیوان پسر آن خانواده رابطه دوستانه برقرار می‌کند. پدر کیوان زندانی سیاسی است و خانواده‌اش از روی ترس، کتاب‌ها و عکس‌هایشان را به طور موقت از خانه خارج کرده‌اند. فقر حاکم بر زندگی خلو در کنار زندگی مرفه کیوان، حال و هوای روزهای انقلاب از دید

شخصیت‌های داستان و دلخوشی‌ها و ماجراجویی‌های خاص بچه‌های گروه عقرب در ادامه داستان جریان می‌یابد.

طبق بررسی که با استفاده از فهرست فاسیونه انجام شد، در این روایت فقط خلو، شخصیت اصلی داستان، و آن هم به تعداد اندک از مهارت‌های تفکر انتقادی استفاده کرده است.

مثال: خلو وقتی می‌خواهد یک شماره را حفظ کند، آن شماره را به یک نشانه ربط می‌دهد. برای مثال وقتی اولین بار ماشین صاحبان صندوق را در قبرستان دید، شماره ماشین را به این شکل حفظ کرده بود:

«پارسال، امسال، آذر. تعجب نکن. این بهترین راه برای حفظ کردن شماره‌هاست. یعنی شماره را به یک چیز ربط بده، بعدش همیشه یادت می‌ماند. پارسال می‌شد ۵۶، امسال می‌شد ۵۷، آذر هم که ۹ بود. در کنار هم می‌شد شماره ۵۶۵۷۹ آبادان-۱۱» (ص ۸۴).

خلو از روش دسته‌بندی و به نوعی برقراری ارتباط منطقی میان اجزا برای حفظ این شماره استفاده کرده است، بنابراین می‌توان گفت مهارت تفسیر را به کار گرفته است.

جدول ۲: چگونگی مهارت‌ها در رمان عقرب‌های کشتی بمبک

مهارت‌ها	تعداد (فراوانی)	شخصیت‌ها
تفسیر	۱	خلو
توضیح	۱	خلو

هستی / فرهاد حسن‌زاده

هستی شخصیت اصلی و راوی داستان، دختری دوازده ساله است که دنیای پسرها را خیلی دوست دارد. او از درخت بالا می‌رود، فوتبال بازی می‌کند و روی دست‌های خود راه می‌رود. در روزهای نزدیک به جنگ ایران و عراق، دست هستی حین بازی فوتبال می‌شکند. مادر او هم نه ماهه باردار است، به همین دلیل پدرش مجبور می‌شود به سفر کاری خود با کشتی نفت‌کش نرود.

یک روز هستی و مادرش در خانه تنها هستند که اولین بمباران جنگ ایران و عراق شروع می‌شود. او و مادرش زیر آوار می‌مانند. هستی در گردن خود یک سوت

دارد و با صدای آن، بقیه را از مکان خود و مادرش باخبر می‌کند. هستی در بیمارستان به هوش می‌آید، اکنون علاوه بر دستش که در فوتبال شکسته بود، سرش هم شکسته است. مادر زایمان می‌کند و سهراب به دنیا می‌آید. دست پدر هم حین بمباران در خیابان شکسته است. خانواده چند روزی را در خانه بی‌بی زندگی می‌کنند، ولی دایی جمشید که در حال جنگ با عراق است، به آنها می‌گوید که باید زودتر از آبادان خارج شوند.

فضای داستان، حس و حال روزهای ابتدایی جنگ است که در هر لحظه‌اش در عین اینکه زندگی جریان دارد ولی بوی دست و پنجه نرم کردن با مرگ را می‌دهد. هیچ ماشینی برای خارج کردن خانواده از شهر یافت نمی‌شود، اگر هم باشد راننده، با هزینه خیلی زیاد حاضر به این کار می‌شود و آنها هم پول کافی ندارند. دایی جمشید آنها را تا نزدیک رودخانه بهممشیر می‌برد و سوار قایق می‌کند. موتورش را هم به همراه هستی، پدر و مادرش و بی‌بی و سهراب که تازه متولد شده سوار قایق می‌کند تا به محض رسیدن به آن طرف رود، با موتور به ماهشهر بروند. هستی به همراه سایر اعضای خانواده زندگی خود را با وجود شرایط جنگی در شهر ماهشهر می‌گذرانند. در نهایت، در حالی که خاله نسرين و دایی جمشید در شهر آبادان در برابر شرایط جنگی مقاومت می‌کنند، هستی نیز به آنها می‌پیوندد.

در رمان هستی، شخصیت‌های داستان به میزان نسبتاً خوبی از مهارت‌های تفکر انتقادی استفاده کرده‌اند و خاله نسرين با به‌کارگیری ۴ مهارت نسبت به دیگر شخصیت‌ها، بیشتر از مهارت‌های تفکر انتقادی استفاده کرده است. هستی، شخصیت اصلی، در مواردی از مهارت‌های تفکر انتقادی استفاده می‌کند، اما در این داستان شخصیت‌های فرعی دارای تأثیرگذاری بیشتری از لحاظ ویژگی‌های متفکران نقاد هستند، چنانکه خاله نسرين بیش از دیگر شخصیت‌ها از مهارت‌های تفکر انتقادی استفاده می‌کند.

مثال: عملکرد خاله نسرين و دایی جمشید مبنی بر ماندن در شهر آبادان با این وضع نابسامان، هر دو به طور مشترک حاکی از **مهارت خودتنظیمی** است، زیرا در شرایطی که همه شهر را برای نجات جان خود ترک کرده‌اند، آنها در نتیجه بازبینی فعالیت‌های شناختی خود به مرحله خوداصلاحی رسیده‌اند تا برای حفظ ارزش‌هایشان به مبارزه پردازند.

جدول ۳: چگونگی مهارت‌ها در رمان هستی

مهارت‌ها	تعداد (فراوانی)	شخصیت‌ها
تفسیر	۲	خاله نسرین - هستی
استنباط	۱	خاله نسرین
توضیح	۳	خاله نسرین - هستی
خودتنظیمی	۲	خاله نسرین - دایی جمشید

پارسیان و من: کاخ اژدها

اردشیر نوجوانی امروزی است که به همراه پدر نویسنده و مادر مهربانش در جنگل، زندگی خوبی را می‌گذراند. او در این داستان، از جهان معاصر گام بر زمان می‌نهد و سر از زمانه ضحاک ماردوش (آژی‌دهاک) بیرون می‌آرد. اردشیر با نگاهی امروزی، ایرانی و انسانی، زندگی در آن دوران را تجربه می‌کند و در کنار کاوه و فریدون و ایرج و ... با همه زوایای این ماجرای اسطوره‌ای تاریخ ایران آشنا می‌شود.

رمان *پارسیان و من: کاخ اژدها* دارای تعداد زیادی شخصیت در داستان است که بیشتر این شخصیت‌ها نیز به نوعی از یک یا چند مهارت تفکر انتقادی استفاده می‌کنند. در این داستان شخصیت‌های کم‌اهمیت (سیاهی لشکرها) نیز از مهارت‌های تفکر انتقادی استفاده می‌کنند. ماجرای این داستان روایت ایستادگی مبتنی بر درک مردم، در مقابل زور حاکم زمانه خود است و شاید به همین دلیل استفاده از مهارت‌های تفکر انتقادی توسط شخصیت‌های داستان شخصیت‌های به ۲۴ مورد می‌رسد. در این رمان، *اردشیر*، شخصیت اصلی داستان، با فراوانی ۹ مورد، بیش از بقیه شخصیت‌ها از مهارت‌های تفکر انتقادی استفاده کرده است و به دلیل اینکه مهارت خودتنظیمی را به کار برده است، متفکر نقاد محسوب می‌شود.

مثال: در مدت اقامت اردشیر در پایتخت نزد آنوراتاش، یک روز به دستور آژی‌دهاک، جمشید پادشاه سابق را پس از سال‌ها اسارت به میدان شهر می‌آوردند و از مردم می‌خواهند، هر چیزی را که می‌توانند به سمت او پرتاب کنند. همه مردم شروع به پرتاب می‌کنند، جز یک آهنگر که از میان جمعیت فریاد برمی‌آورد:

«همه شما مرا می‌شناسید، ما هفت برادر آهنگریم و مغازه‌مان آنجاست و جز از خداوند جهانیان از کسی باک نداریم... اما لعنت بر شما که برای دلخوشی ماردوش جادو صفت،

سنگ بر پادشاهی پارسی می‌کوبید که روزگاری دستانش به زنجیر نبود و سنگ سنگ این شهر را از آغاز پایه نهاد...» (ص ۱۵۱-۱۵۲).

مرد آهنگر دربارهٔ این واکنش مردم در مقابل پادشاهی که خدمات ارزنده‌ای نیز داشته است، دست به قضاوت می‌زند و آن را با دلیل نادرست می‌داند، به همین دلیل مهارت ارزشیابی را به کار گرفته است.

جدول ۴: چگونگی مهارت‌ها در رمان پارسیان و من: کاخ اژدها

مهارت‌ها	تعداد (فراوانی)	شخصیت‌ها
تفسیر	۱۰	اردشیر - ایرج - هارپاک (یکی از مبارزین) - آنوراتاش (هنرمند دربار ضحاک) - مهرداد (پدر اردشیر)
تحلیل	۵	اردشیر - ایرج - آنوراتاش (هنرمند دربار ضحاک) - آژی‌دهاک (ضحاک ماردوش)
ارزشیابی	۲	اردشیر - مرد آهنگر (شخصیت کم‌اهمیت)
استنباط	۲	مهرداد (پدر اردشیر)
توضیح	۴	مادر اردشیر - ارمایل (آشپز دربار ضحاک) - آنوراتاش (هنرمند دربار ضحاک) - مهرداد (پدر اردشیر)
خودتنظیمی	۱	اردشیر

پارسیان و من: راز کوه پرنده

در جلد دوم مجموعهٔ پارسیان و من، سیاوش (شخصیت اصلی داستان) همانند جلد اول، نوجوان امروزی است که پای در سفر و حرکت زمان می‌نهد. او به کمک سیمرغ قسمتی از اسطوره‌های تاریخ ایران را پشت سر می‌گذارد. سیاوش به همراه رستم داستان، هفت‌خوان را طی می‌کند، در نبردهای پهلوانان، شریک غم‌ها و شادی‌هایشان می‌شود و تا واپسین لحظه‌های عمر رستم در کنارش می‌ماند.

در رمان پارسیان و من: راز کوه پرنده، شخصیت اصلی داستان سیاوش است. او از بین مهارت‌های تفکر انتقادی فقط از مهارت تحلیل، آن هم در چهار مورد استفاده می‌کند و شخصیت‌های دیگر داستان نیز مهارت‌های دیگر را چند بار به کار می‌گیرند و داستان را در رتبهٔ خوبی از لحاظ تفکر انتقادی قرار می‌دهند.

مثال: سیاوش روزهای شاد خیلی خوبی را در کنار خانوادهٔ زال می‌گذراند و رستم هم

روزهای سخت زیادی را در بیابان طی می‌کند. تا اینکه یک روز، نامه‌ای مهرشده از سوی گشتاسب (پادشاه بلخ) به دست آنها می‌رسد که زنده یا مرده رستم را می‌خواهد و پسرش اسفندیار رویین تن را برای رزم با رستم فرستاده است. زال با شنیدن این خبر می‌گوید:

«گشتاسب، پیر شده اما حاضر به سپردن تخت و تاج به پسر جوان خود نیست... به یقین، نبرد درخواهد گرفت. بهانه ترویج دین تازه است و عدم اطاعت محض از شاه بلخ. ولی درواقع شاه پیر امیدوار است که پسر روئین تن و سمج‌اش توسط رستم از میان برداشته شود تا خودش همچنان بر سرکار باقی بماند!» (ص ۲۴۰-۲۴۱).

زال در این گفته خود مهارت استنباط را به کار برده است، زیرا با کنار هم قرار دادن عناصر نهفته در این خبر به فرضیه خود شکل می‌دهد.

جدول ۵: چگونگی مهارت‌ها در رمان پارسیان و من: راز کوه پرنده

مهارت‌ها	تعداد (فراوانی)	شخصیت‌ها
تفسیر	۴	زال- سیمرغ (پرنده افسانه‌ای ایران)- رستم (پهلوان ایران زمین)
تحلیل	۴	سیاوش
استنباط	۱	زال (پدر رستم)

پارسیان و من: رستاخیز فرا می‌رسد

بردیا شخصیت اصلی جلد سوم این کتاب، سومین نوجوان امروزی است که پا بر عرصه زمان می‌نهد. او به زمان کورش کبیر، پادشاه مؤسس سلسله هخامنشی، سفر می‌کند و همراه با کورش به عنوان پدر و داریوش عموزاده‌اش تجربه‌های فراوانی را کسب می‌کند. در رمان پارسیان و من: رستاخیز فرا می‌رسد، شخصیت اصلی داستان بردیاست. او از ویژگی‌های متفکری نقاد برخوردار است، زیرا سه بار در عملکردهای خود از مهارت خودتنظیمی استفاده می‌کند. دیگر شخصیت‌های داستان که از مهارت‌های تفکر انتقادی استفاده می‌کنند کورش و داریوش هستند. در این داستان نیز مهارت‌های تفکر انتقادی به میزان نسبتاً خوبی به کار رفته است.

در این رمان، بردیا و داریوش، شخصیت‌های اصلی داستان، هر کدام چهار بار از مهارت‌های تفکر انتقادی استفاده کرده‌اند، ولی بردیا در سه مورد مهارت خودتنظیمی را به کار برده است، به همین جهت در زمره متفکران نقاد قرار می‌گیرد.

مثال: داریوش دو هفته پس از مرگ بهار می‌بیند که بردیا همچنان اوضاعش به هم ریخته است پس تصمیم می‌گیرد که با او صحبت کند:

«... این طور نیست که تو بخواهی فراموش کنی، نه! اگر بخواهی هم نخواهی توانست چنین کنی، اما چیزی را که باید بفهمی این است که تو مقصر نبودی، هیچ کس مقصر نبود... تو هر کاری توانستی کردی ما هم همینطور. ما همه کارها را درست انجام دادیم اما نشد!

بردیا با بغض می‌گوید: نه! انجام ندادیم.

داریوش ادامه می‌دهد: چرا تو باید بفهمی که مقصر نبودی بردیا! آیا اگر می‌دانستی این طور می‌شود او را به کشتن می‌دادی؟... سعی کن دوباره بر خودت مسلط بشوی و ببینی که چه بخواهی و چه نخواهی همه چیز ادامه دارد! نگذار تلخی این ماجرا تو را به کلی از بین ببرد و نابود کند... من نمی‌خواهم شعار فلسفی بدهم، ولی خودت هم خوب می‌دانی که هر چه می‌گویم عین حقیقت است» (ص ۱۷۳).

داریوش از مهارت تحلیل استفاده کرده است، زیرا سعی می‌کند واقعیات موجود در این ماجرا را شناسایی کند و با بیان آنها، توجیهاتی بیاورد که بردیا آرام شود.

جدول ۶: چگونگی مهارت‌ها در رمان پارسیان و من: رستاخیز فرا می‌رسد

مهارت‌ها	تعداد (فراوانی)	شخصیت‌ها
تفسیر	۳	بردیا- داریوش- کورش
تحلیل	۲	داریوش
توضیح	۱	کورش
استنباط	۱	داریوش
خودتنظیمی	۳	بردیا

شبی که جرواسک نخواند

میلو شخصیت اصلی و راوی داستان، تنها پسر خانواده است که خواهری به نام ماهی دارد و به همراه پدر و مادرش و همچنین مادر بزرگ پدری‌اش (بی‌بی جواهر) در خرمشهر زندگی می‌کنند. داستان وصف حال یک خانواده خرمشهری را در روزهای ابتدایی جنگ نشان می‌دهد که قصد خروج از خرمشهر را دارند.

خروج آنها از خرمشهر، با ماجراهایی همراه می‌شود، از جمله اینکه بی‌بی جواهر

حاضر به خروج از شهر نیست و پدر خانواده با استفاده از مهارت توضیح در کلامش، بالاخره بی‌بی را حاضر به همراهی می‌کند. خواستگارهای ماهی (دختر خانواده) موقع خروج آنها سعی دارند تا بنا بر سنت «نشان گذاشتن»، موقعیت ماهی، به عنوان عروسشان، قطعی شود. در این میانه، ماجراهای دیگری نیز روی می‌دهد که خروج خانواده را به تأخیر می‌اندازد.

شخصیت اصلی داستان، میلو با دقت بسیار زیاد تمام وقایع اطرافش را زیر نظر دارد و مدام در حال فکر کردن به شرایط پیش آمده است. ولی از مهارت‌های تفکر انتقادی با توجه به فهرست فاسیون، به جز یک مورد در جای دیگری استفاده نمی‌کند. بنابراین شخصیت‌های داستان به میزان کمی از مهارت‌های تفکر انتقادی استفاده کرده‌اند.

در حالی که تمامی اعضای خانواده در حال جمع‌آوری وسایل ضروری هستند تا راهی سفر شوند، بی‌بی جواهر مدام می‌گوید «من با شما نمی‌آیم» و با حرف‌های هیچ کس هم راضی به سفر نمی‌شود. پدر روبه‌روی بی‌بی می‌نشیند و با لحنی مهربان می‌گوید:

«به خیالت آسونه برا من؟ نه به حضرت عباس. رو ناچاریه. شده یه شب جمعه یادم بره بیام سر خاک؟ وظیفه‌مه. اینم که میگم بریم، نه اینکه سردی خاک دل مارو سرد کرده، یادمون رفته بابامون اونجا خوابیده، نه به حضرت عباس. دهن به دهن پیچیده عراقیا از پادگان دژ رد شدن دارن میان توی شهر. گفتن زن و بچه‌ها رو ببرین بیرون، جای دوری نمی‌ریم که فکر کنی برنمی‌گردیم دیگه. می‌ریم آبادان، بعدشم خدا بزرگه!... بی‌بی جواهر گفت: پس بر می‌گردیم! بابام گفت: انگار حاصل یه عمر زندگیمون اینجاست، ها! ... بی‌بی جواهر هم مثل همیشه سفت و سنگین و پرحرکت بلند شد» (ص ۲۶-۲۷).

پدر خانواده سعی می‌کند تا با ارائه دلایل منطقی برای او بیان کند که چقدر احتمال خطر زیاد است و سرانجام بی‌بی را متقاعد می‌کند که به سفر راضی شود. پدر (کامل) در این قسمت از مهارت توضیح استفاده می‌کند، چون توانایی راضی کردن بی‌بی را با دلایل منطقی داشت.

جدول ۷: چگونگی مهارت‌ها در رمان شیبی که جرواسک نخواند

مهارت‌ها	تعداد (فراوانی)	شخصیت‌ها
استنباط	۱	میلو
توضیح	۱	پدر میلو

طبقه هفتم غربی / جمشید خانیان

داستان از زبان پسرکی ۱۴ ساله به نام امیرعلی نقل می‌شود. او برای مراقبت از پیرمردی نویسنده به آپارتمان وی می‌رود. خانه پیرمرد در طبقه هفتم غربی مجتمع میلاد واقع است. مادر امیرعلی خیاط است، ولی پدر جنگلبانش فوت کرده است. کل ماجرای داستان در دو روز متوالی روی می‌دهد، روز اول که امیرعلی به خانه پیرمرد می‌آید و از طریق دختر او با کارهای لازم جهت مراقبت از پدرش آشنا می‌شود و روز دوم که کارش در آنجا به اتمام می‌رسد.

در رمان طبقه هفتم غربی، امیرعلی (شخصیت اصلی) پسرکی مسئول و با دقت است. در حین روایت هنگامی که او از پله‌های ساختمان چندین طبقه را بالا می‌رود، از شخصیت‌های مختلف ساختمان تأثیر می‌گیرد، ولی چون از بازخورد او در عملکرد و تصمیماتش خبری نیست، این داستان در فهرست این پژوهش رتبه خوبی را کسب نکرده است و داستانی فاقد مهارت‌های تفکر انتقادی محسوب شده است.

امپراطور کلمات / احمد اکبرپور

نویسنده کتاب سال‌ها پیش شعری با نام نقشه جهان (نوشته نوجوان یازده‌ساله کره‌ای به نام یون سوک جونگ) را خوانده و همیشه در طول زندگی دوست داشته است که این شاعر را بیابد. طبق گفته نویسنده، این علاقه، منبع الهام او برای نوشتن داستان امپراطور کلمات است.

ماجرای داستان این است که پسرکی کتاب خوان، شروع به خواندن کتابی تازه می‌کند. داستانی که او می‌خواند درباره دخترکی چینی به نام سانی چونگ است که روزی از سر بازیگوشی خط‌های نقشه کلاس را پاک می‌کند. پسرک خواننده کتاب، همراه سانی وارد کتاب می‌شود و با هم همراه می‌شوند تا در این ماجرا مکان‌های مختلف را ببینند و شاعر شعر نقشه جهان را پیدا کنند.

داستان امپراطور کلمات با وجود اینکه در دنیای تخیل جریان دارد، بسیاری از واقعیت‌های اطراف ما را مانند برخوردهای خشن و زندانی شدن‌های بی دلیل به تصویر می‌کشد، اما شخصیت‌های داستان در عملکرد خود مهارت‌های تفکر انتقادی را به جز یک مورد به کار نمی‌برند.

مثال: هنگامی که سانی به همراه پسرک و ملوانی راهی کره می‌شوند، در یکی از

ساحل‌های کره با گروهی از کولی‌ها آشنا می‌شوند. یکی از پیرزن‌های کولی برای آنها پیشگویی می‌کند که یون سوک مرده است و سفرشان بیهوده است. اما پسرک به سانی می‌گوید:

«ما هیچ وقت نباید پیشگویی را باور کنیم و باید به کره برویم...» (ص ۳۵)

پسرک دربارهٔ صحت حرف‌های پیرزن پیشگو دست به قضاوت می‌زند و آن را نادرست می‌داند، به همین دلیل مهارت ارزشیابی را به کار گرفته است.

جدول ۸: چگونگی مهارت‌ها در رمان *امپراطور کلمات*

مهارت‌ها	تعداد (فراوانی)	شخصیت‌ها
ارزشیابی	۱	پسرک کتابخوان

هزارویک سال

هزارویک سال پیش ۱۲ ستاره (شش خواهر و شش برادر) به شکل یک بال (نزدیک ستاره قطبی) در آسمان بودند و از آنجا که صداها هیچ وقت از بین نمی‌روند، بلکه فقط از ما دور می‌شوند؛ صدای ناله‌های حاصل از درد و رنج آدمیان، از زمین به آسمان، به ستاره‌ها می‌رسد و آنان بسیار ناراحت می‌شوند. پس ستاره‌ها تصمیم می‌گیرند در یک شب ابری که آسمان از زمین پیدا نیست به زمین بیایند.

راوی داستان مردی قصه‌گو است. او در شهری زندگی می‌کند که ستاره‌ها در آن فرود می‌آیند. ستاره‌ها در خانه او را می‌زنند و از وی می‌خواهند که آن شب، راهنمای آنها باشد تا ستاره‌ها بتوانند غمگین‌ترین افراد شهر را بیابند. بدین ترتیب ستاره‌ها به همراه نویسنده به سراغ کسانی می‌روند که از دید نویسنده بیش از دیگران، نیازمند یاری ستاره‌ها هستند. این داستان پر از شخصیت‌هایی است که اگرچه هر کدام چند صفحه یا چند خط از داستان را به خود اختصاص می‌دهند ولی مشکلاتی که باعث درد و رنج هر یک از این کاراکترها شده است، نماد مسائل بشر امروزی است.

شخصیت‌های رمان *هزارویک سال* به میزان نسبتاً خوبی از مهارت‌های تفکر انتقادی استفاده کرده‌اند. با این وجود بیشتر شخصیت‌هایی که وارد داستان می‌شوند، به‌وضوح، فاقد مهارت‌های تفکر انتقادی هستند. در واقع می‌توان گفت که نویسنده با نشان دادن چنین شخصیت‌هایی تأثیر مهارت‌ها را به روش معکوس در خواننده افزایش داده است.

مثال: نویسنده، ستاره‌ها را به خانه مادری می‌برد که فرزندش در جنگ کشته شده است و خیلی ناراحت است. مادر شب‌ها همیشه یک فانوس روشن مقابل خانه‌اش می‌گذارد، چون احساس می‌کند که فرزندش بازمی‌گردد و در تاریکی نمی‌تواند خانه را پیدا کند. اما ستاره‌ها کاری برای این مادر نمی‌کنند. یکی از ستاره‌ها در جواب نویسنده می‌گوید:

«می‌خواستیم اما نشد. ما نمی‌توانیم آدمی را که مرده زنده کنیم. ما نمی‌توانیم جای آدمی که مرده بشویم. حتی نمی‌توانیم یادهای کسی را که مرده از توی فکر کسی که دوستش دارد پاک کنیم. تازه، همه‌مان با هم فکر کردیم که همه‌مان بشویم خوشحالی. ولی دیدیم خیلی خوشحال هم که بشویم به اندازه یک کمی از رنج آن مادر هم نمی‌شویم. نمی‌شد... اصلاً نمی‌شد... نمی‌شود» (ص ۶۰).

ستاره قادر به درک و بیان مشکل مرگ و غم حاصل از آن برای عزیزان است. او درک می‌کند که حل گروهی از مشکلات در زندگی بشر ناممکن است و انسان نباید دنبال چاره‌ای برای حل آن باشد. مرگ از جمله این مشکلات است. فردی که می‌میرد امکان برگشت دوباره‌اش به زندگی و یا پاک کردن یاد او در ذهن عزیزانش وجود ندارد. تنها راه کنار آمدن با نبودن آن فرد است. در نتیجه ستاره مهارت تفسیر را به کار برده است.

جدول ۹: چگونگی مهارت‌ها در رمان هزار و یک سال

مهارت‌ها	تعداد (فراوانی)	شخصیت‌ها
تفسیر	۲	یکی از ستاره‌ها - نویسنده
تحلیل	۱	یکی از ستاره‌ها
توضیح	۱	دخترک یتیم
خودتنظیمی	۲	نویسنده

من نوکر بابا نیستم

داوود شخصیت اصلی داستان، پسر خوبی است که در همه حال به حرف‌های پدر و مادرش گوش می‌کند و کمک حالشان است. مهرباب، یحیی و یونس دیگر برادرانش هستند که به دلیل اینکه داوود همه‌امر و نهی‌های پدر را انجام می‌دهد، او را نوکر بابا لقب داده‌اند. پدر خانواده بسیار خسیس و بداخلاق است. یک روز بسته‌ای پول از جیب پدر در چاه مستراح می‌افتد و مسئله داستان از همین جا با پول آغاز می‌شود و سرانجام هم به پول ختم می‌شود.

بیشتر قسمت‌های داستان از زبان داوود بیان می‌شود، ولی یونس، ساره و پدر هم هر کدام اپیزودی از داستان را از زاویه دید خود بیان، و فرصت اثرگذاری مناسب را پیدا می‌کنند. مسئله پدر در این داستان، درآوردن پول از چاه است که همه فکر و ذکر او را به خود مشغول کرده است، اما به سبب خساستش، راه‌حلی که پیدا می‌کند (درآوردن پول توسط یکی از فرزندان) مطابق با مهارت‌های تفکر انتقادی نیست. شخصیت‌های دیگر داستان نیز که تحت تأثیر فرهنگ روستای محل زندگیشان هستند در حل هیچ کدام از مشکلاتشان از مهارت‌های تفکر انتقادی استفاده نمی‌کنند.

جنگ که تمام شد، بیدارم کن

حامی، پسر نوجوانی است که چند سال پیش پدر و مادرش را در جنگ ایران و عراق از دست داده است. او به همراه مادر بزرگش برای زندگی از آبادان به قم آمده‌اند. یک روز حامی در زیرزمین خانه، صدای گریه حوری دختر همسایه را می‌شنود. او متوجه می‌شود که روزنه‌ای در نزدیکی سقف زیرزمینشان قرار دارد که نزدیک به سطح زیرزمین خانه همسایه است. این دریچه راه ارتباطی حامی با حوری می‌شود.

حامی، شخصیت اصلی داستان، پسر هنرمندی است که علاوه بر خط و نقاشی، صدای خوبی هم دارد ولی اعتقادات مادر بزرگش و فضای بسته سال‌های جنگ مبنی بر این باور که موسیقی حرام است، مانع دنبال کردن این هنر توسط او می‌شود. حامی به دلیل شرایط بد اقتصادی‌شان، تصمیم می‌گیرد که کاری برای خود پیدا کند.

اتفاقاتی که در داستان می‌افتد، همراه با باورهای عامیانه و خرافی است که شخصیت‌های داستان آنها را باور دارند و اصلاً در مورد صحت آنها به تفکر نمی‌پردازند. برای مثال وقتی تنها شلوار حامی پاره می‌شود، روز عید غدیر است و همه خیاطان شهر در این روز کار نمی‌کنند، چون کار کردن در این روز را برای خود بدبین می‌دانند. در مثال دیگر مدتی حامی برای کار کردن به چاه جمکران می‌رود و در این قسمت داستان مردمی به نمایش گذاشته می‌شوند که با باورهای خرافی سعی در حل مشکل خود دارند.

شخصیت‌های داستان به جز دو مورد از مهارت‌های تفکر انتقادی در حل مشکلاتشان استفاده نمی‌کنند.

مثال: کار حامی در قبرستان خیلی زیاد است. مردم از شهرهای دیگر هم مرده‌هایشان

را به قم می‌آورند، چون باور دارند خاک قم پاک است و هر کس در اینجا دفن شود، فشار قبرش کم است و به بهشت می‌رود. اسماعیل (شاگرد حاج غفور) یکی از شخصیت‌های فرعی داستان است، اما با شنیدن این حرف‌ها بیان می‌کند:

«اون‌ها دیگه کی‌ان که می‌خوان سر نکیر و منکر هم کلک بزنی! اون‌ها فکر می‌کنن هر چی هم توی عمرشون گناه کرده باشن، همین که توی قم خاکشان کنن دیگه همه چی تمامه، دو قدم، پیاده می‌رن تا بهشت!...» (ص ۳۱-۳۲).

اسماعیل به این دلیل که با دید واقعی و استنتاجی، حرف بدون دلیل مردم را باور نمی‌کند از مهارت تحلیل استفاده کرده است.

جدول ۱۰: چگونگی مهارت‌ها در رمان جنگ که تمام شد، بیدارم کن

مهارت‌ها	تعداد (فراوانی)	شخصیت‌ها
توضیح	۱	حامی
تحلیل	۱	اسماعیل (یکی از شخصیت‌های فرعی)

۶. نتیجه‌گیری

پس از مطالعه مبانی نظری و پیشینه‌های پژوهش، پیش‌فرض‌هایی در ذهن پژوهشگر شکل گرفت که پژوهش حاضر مبتنی بر آنها انجام شد. از جمله اینکه مؤثرترین و تحول‌آفرین‌ترین روش آموزش آن است که ذهن یادگیرنده را بر تفکر، تجربه و سؤال متمرکز کند. همچنین برای آموزش تفکر، داستان‌ها - به دلیل اینکه به‌عنوان ابزاری جهت سرگرمی و تفریح مورد علاقه کودکان و نوجوانان هستند - می‌توانند به‌عنوان وسیله‌ای آموزشی نیز نقش مؤثری داشته باشند.

اما برای آموزش تفکر از طریق داستان با دو گونه داستان مواجه هستیم: دسته اول داستان‌هایی هستند که با هدف ازپیش‌تعیین‌شده و آموزش مستقیم نوشته شده‌اند، مانند داستان‌های لیپمن و شارپ؛ دسته دوم داستان‌های معمولی هستند که به‌عنوان اثری ادبی آنها را می‌شناسیم. پژوهش‌های مکتبی فرد (۱۳۸۹)، فرزانه‌فر (۱۳۸۹) و رشنو (۱۳۹۰) مؤید این امر است که اگر داستان‌های معمولی دارای درجه کیفی ادبی بالایی باشند، می‌توانند در امر آموزش نقش مؤثری داشته باشند.

این پژوهش در گروه سنی نوجوان، با نمونه‌ای از لحاظ ادبی دارای کیفیتی مناسب،

انجام شده است. نتایج، حکایت از آن داشت که رمان‌های مورد بررسی اگر چه با هدف ایفای نقش آموزشی نوشته نشده بودند، ولی دارای میزان خوبی از مهارت‌های تفکر انتقادی طبق فهرست مورد بررسی بودند. بدین ترتیب این پژوهش نیز تأییدی بر دیدگاه‌های مکتبی فرد (۱۳۸۹)، فرزانه (۱۳۸۹) و رشنو (۱۳۹۰) است. بدین جهت که اگر داستان‌های معمولی حاوی کیفیت ادبی مناسبی باشند می‌توانند، نقش آموزشی خود را نیز به صورت غیرمستقیم ایفا کنند.

همان‌گونه که از تحلیل‌ها برمی‌آید، جلد اول رمان *پارسیان و من یعنی پارسیان و من*: کاخ اژدها، با بیشترین تعداد به کار گرفتن مهارت‌های تفکر انتقادی توسط شخصیت‌های داستان، نسبت به بقیه رمان‌ها در رتبه اول قرار می‌گیرد.

در قسمت پیشین ذکر شد که نمونه بررسی شده در این پژوهش به صورت هدفمند طبق نظر ۲۶ نفر از متخصصان ادبیات کودک انتخاب شده است. در بررسی آنها هر رمان از لحاظ کیفیت داستانی، رتبه‌ای را کسب کرده است. پس از انجام این پژوهش از لحاظ وجود مهارت‌های تفکر انتقادی، برخی رمان‌ها نسبت به بقیه در جایگاه بالاتری قرار گرفتند. رتبه‌بندی انجام شده توسط نویسنده مقاله حاضر، با در نظر داشتن صرفاً میزان مهارت‌های تفکر انتقادی در شخصیت‌های رمان‌ها به شرح زیر است:

۱. پارسیان و من: کاخ اژدها (۱) / آرمان آرین

۲. پارسیان و من: رستاخیز فرا می‌رسد (۳) / آرمان آرین

۳. پارسیان و من: راز کوه پرنده (۲) / آرمان آرین

۴. هستی / فرهاد حسن‌زاده

۵. لالایی برای دختر مرده / حمیدرضا شاه‌آبادی

۶. هزار و یک سال / شهریار مندنی‌پور

۷. عقرب‌های کشتی بمبک / فرهاد حسن‌زاده

۸. شبی که جرواسک نخواند / جمشید خانیان

۹. جنگ که تمام شد، بیدارم کن / عباس جهانگیریان

۱۰. امپراطور کلمات / احمد اکبرپور

۱۱. من نوکر بابا نیستم / احمد اکبرپور

۱۲. طبقه هفتم غربی / جمشید خانیان

اما لازم به ذکر است که معیار پژوهشگر در بررسی، تطابق ویژگی‌های شخصیت‌های داستان‌ها با فهرست مهارت‌های تفکر انتقادی فاسیونه است و معیار متخصصان در نظر گرفتن ویژگی‌های ادبی رمان است. در واقع ملاک‌های متخصصان و پژوهشگران در رتبه‌بندی متفاوت بوده است و به همین دلیل رمان‌ها در جایگاه‌هایی متفاوت در رتبه‌بندی قرار گرفته‌اند.

در میان ۱۲ رمان مورد بررسی، مهارت تفسیر، با فراوانی ۲۵، بیش از بقیه مهارت‌ها توسط شخصیت‌های داستان به کار رفته است. پس از آن، به ترتیب مهارت‌های تحلیل با فراوانی ۱۴، توضیح با فراوانی ۱۲، خودتنظیمی و استنباط هر کدام با فراوانی ۸، در رتبه‌های بعدی و سرانجام مهارت **ارزشیابی** با فراوانی ۴، در پایین‌ترین میزان، نسبت به بقیه مهارت‌ها قرار دارد.

اما از نظر فاسیونه (۲۰۱۱) از میان شش مهارت مذکور، خودتنظیمی نسبت به بقیه مهارت‌ها جایگاه ویژه‌ای دارد و متفکر نقاد واقعی، فردی است که دارای این مهارت شناختی باشد. در میان رمان‌های مورد بررسی، شخصیت اصلی (**اردشیر**) در رمان **پارسیان و من: کاخ اژدها**، شخصیت‌های فرعی (**دایی جمشید و خاله نسرین**) در رمان **هستی**، شخصیت اصلی (**پردیا**) در رمان **پارسیان و من: رستاخیز فرا می‌رسد**، شخصیت اصلی (**نویسنده**) و شخصیت فرعی (**مرد زندانی**) در رمان **هزار و یک سال** دارای مهارت خودتنظیمی هستند، بنابراین می‌توان آنها را شخصیت‌های نقاد رمان‌های مورد بررسی دانست.

پرشخصیت‌ترین داستان، رمان **پارسیان و من: کاخ اژدها** است و در آن تعداد زیادی از شخصیت‌ها، با هر درجه‌ای از اهمیت اعم از شخصیت اصلی، شخصیت فرعی و حتی سیاهی لشکرها به صورت ملموس و مکرر از مهارت‌های تفکر انتقادی استفاده می‌کردند. پس از آن رمان **هزارویک سال** دارای شخصیت‌های فرعی بسیاری است، اگرچه هر کدام از این شخصیت‌ها چند خط یا چند صفحه از داستان را به خود اختصاص داده‌اند، ولی تأثیرگذاری بسیاری از لحاظ عملکرد بر روی خواننده دارند.

همچنین پژوهشگر حین تحلیل رمان‌ها متوجه شد که عملکرد بعضی از شخصیت‌های داستان‌ها با تعاریف تفکر انتقادی همخوانی دارد، اما با فهرست فاسیونه قابل توجه نیست تا بتوان عملکرد یا کنش فلان شخصیت را در قالب یکی از این شش مهارت گنجانند. برای مثال، شخصیت کیوان در **عقرب‌های کشتی بمبک**، هنگامی که با

خلو، پسری از طبقه پایین دست، مواجه می‌شود، از روی ظاهر در موردش قضاوت نمی‌کند و با مهربانی به حرف‌های خلو گوش می‌دهد و در ادامه داستان با خلو و دوستانش علی‌رغم تفاوت طبقاتی روابط دوستانه خیلی صمیمانه‌ای می‌تواند برقرار کند. در مورد دیگر، دو شخصیت آقای ناصری و میرزا جعفرخان در رمان لالایی برای دختر مرده، هر دو در زمان‌های متفاوت، جهت جست‌وجوی حقیقتی به سفر می‌روند و برای روشن شدن آن تلاش می‌کنند، ولی این عملکرد آنها در قالب هیچ کدام از مهارت‌های فهرست فاسیونه نمی‌گنجد.

درواقع می‌توان گفت که هر کدام از این فهرست‌ها به جنبه‌ای از مهارت‌های تفکر انتقادی اشاره داشته‌اند، شاید فهرست‌های متخصصان مختلف حوزه تفکر انتقادی دارای همپوشانی با هم باشند، ولی یکی از آنها برای بررسی دارای جامعیت کافی نیست. قبل از بررسی خود باید دقت نظر داشته باشیم که کدام جنبه از تفکر انتقادی بیشتر مورد نظر ماست و با توجه به آن دست به انتخاب بزنیم.

دلیل دیگر این یافته نیز این نکته می‌تواند باشد که فاسیونه در تشریح فهرست خود تأکید زیادی روی تربیت شهروندانی دارد که با نیروی تفکر خود جلوی خشونت‌طلب‌ها و افراطیون از هر نوع، می‌ایستند. در بررسی حاضر نیز، رمان پارسیان و من: کاخ اژدها - که روایتی حماسی از ایستادگی مردم در مقابل ستم ضحاک ماردوش است - بیشترین شباهت را با توصیفات فاسیونه از تفکر انتقادی دارد و نسبت به دیگر رمان‌ها در جایگاه بالاتری قرار می‌گیرد.

بدین ترتیب می‌توان گفت که هر کدام از فهرست‌های تفکر انتقادی به جنبه‌ای از مهارت‌های تفکر انتقادی اشاره کرده‌اند و جهت بررسی، یک فهرست دارای جامعیت کافی نیست.

منابع

- اسکندری، حسین، ژاله کیانی (۱۳۸۶). «تأثیر داستان بر افزایش مهارت فلسفه‌ورزی و پرسش‌گری دانش‌آموزان»، فصلنامه مطالعات برنامه درسی، سال دوم، شماره ۷، ص ۱-۳۶.
- پاسپار، پریسا و نیره سادات استقامت (۱۳۸۸). «بررسی سؤالات تفکر نقادانه کتاب درسی زیست‌شناسی سال سوم دبیرستان با استفاده از مهارت‌های فاسیونه»، کتابخانه‌های آموزشگاهی، پویاسازی نظام آموزشی و مشارکت در فرآیند یاددهی - یادگیری: مجموعه مقالات دانشگاه فردوسی مشهد ۳ و ۴ اردیبهشت ۱۳۸۸. به کوشش مهری پریخ و با همکاری شعله ارسطوپور. تهران: کتابدار.

پیشقدم، رضا (۱۳۸۶). «افزایش تفکر انتقادی از طریق مباحثه ادبی در کلاس‌های زبان انگلیسی»، مجله علمی- پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، شماره ۱۵۹.

حسینی، زهره (۱۳۸۴). «اصول داستان‌های فکری و مفاهیم موجود در آنها»، ویژه‌نامه فلسفه و کودک. بنیاد حکمت اسلامی صدر، شماره زمستان.

دورتنی جی، سینگر (۱۳۸۰). تحول فکر در کودکان، ترجمه پرویز شریفی در آمدی. تهران: روان‌سنجی. رشنو، سمیه (۱۳۹۰). «تحلیل محتوای کتاب‌های داستانی تألیفی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در گروه سنی نوجوان براساس مهارت‌های تفکر انتقادی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه الزهرا.

علیپور، وحیده (۱۳۸۳). «بررسی تناسب محتوای کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی تحصیلی با پرورش مهارت‌های تفکر انتقادی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تربیت معلم تهران.

فرزانه‌فر، جواد (۱۳۸۹). «بررسی فلسفه دوران کودکی و نقش قصه و داستان در رشد و پرورش روحیه فلسفی در کودکان»، رساله دکتری دانشگاه تربیت معلم تهران.

فیشر، رابرت (۱۳۸۵ الف). آموزش تفکر به کودکان. ترجمه مسعود صفایی مقدم، افسانه نجاریان. اهواز: رشن.

فیشر، رابرت (۱۳۸۵ ب). آموزش و تفکر، ترجمه فروغ کیان‌زاده. اهواز: رشن.

مکتبی‌فرد، لیلا (۱۳۸۹). «بررسی تناسب محتوای داستان‌های تألیفی ایرانی برای کودکان و نوجوانان گروه سنی (ج) با مهارت‌ها و مؤلفه‌های تفکر انتقادی»، رساله دکتری دانشگاه شهید چمران اهواز.

Carelson, A. & et al. (۱۹۹۷). "Using children's Literature to Develop and Advance Problem Solving and Critical Thinking in Mathematics", *Master's Action Research Project*, Saint Xavier University and IRI/Skylight. Available at: <http://eric.ed.gov/ERIC Web portal/ record Detail? Accn=ED410583> [retrieval Date: ۱۳۹۰/۰۹/۲۰]

Delaney, M. (۱۹۹۷). "Teaching Philosophical Thinking through Children's Literature: Creative Applications of Dialogue and Story", *Educational Resource Information Center (ERIC)*. Available at:

<http://eric.ed.gov/ERICWebPortal/custom/portlets/recordDetails/detailmini.jsp?accno=ED410588> [Retrieval Date ۲۰/۲/۲۰۱۲].

Facione, P. A. (۲۰۱۱). "Critical Thinking: What It Is and Why It Counts", Available at: www.insightassessment.com

Haven, Kendall (۲۰۰۷). "Story Proof: The Science behind the Startling Power of Story", CA: Libraries Unlimited.

Noer, L. (۱۹۹۴). "Using Literature to Teach Critical Thinking to Social Work Students", Loyola university of Chicago. Available at: <http://proquest.umi.com/dissertations/preview> [retrieval date: ۱۳۹۰/۰۹/۲۰]

Tarkington, Stephanie Ann (۱۹۸۹). "Improving Critical Thinking Skills Using Paideia Seminars in a Seventh- grade Literature Curriculum", University of Sandiego. Available at: <http://proquest.umi.com/dissertations/preview> [Retrieval date: ۲۰۱۲/۰۲/۲۵].

UNICEF (۲۰۰۳). "Which Skill is Life Skill", Available at: [http:// www. Life skill based education](http://www.Life skill based education). [Retrieval date : ۲۰۱۲/۰۱/۲۴].

Archive of SID